

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت
تا بازگشت به استقلال ملی
سخن می‌گوید

گفت و گوی دهم

جایگاه والای "بیت المقدس" در زندگی دینی، معنوی و ملی یهودیان



ماکت بیت المقدس دوم که بخش عظیمی از شهر اورشلیم را شامل می شده است

پرسش - در این بخش از گفت و گوها تقاضا داریم درباره بیت المقدس یهود اطلاعاتی در اختیار شنوندگان ما قرار دهید و بفرمائید که این مکان مقدس چه نقشی در زندگی یهودیان ایفاء کرده و از نظر تاریخی چه مقام و منزلتی داشته است - و همچنین می خواهیم بدانیم که این بنای عظیم دارای چه ابعادی بوده و از چه بخش هائی ترکیب می شده است، و در آن جا چه می کردند و آئین دینی چگونه برگزار می شد.

پاسخ - بیت المقدس در زندگی یهودیان، به طور اصولی دو نقش عمده ایفاء می کرد. یک نقش آن بود که پادشاه یهود در آن مکان زندگی می کرد و می توان گفت که آن جا کاخ سلطنتی قرار داشت. در واقع می توان گفت که آن جا مظهر سلطنت و مرکز کشورداری بود. آن جا مرکز مملکت داری و نماد کشور و سرزمین بود. از این مکان بود که همه

فعالیت های سیاسی و اقتصادی و بازرگانی و مالیاتی و دیگر اموری که به کشورداری مربوط می گردید اداره می شد.

نقش مهم دوم بیت المقدس جنبه دینی آن به عنوان ستایشگاه ملت یهود برای ابراز سپاس نسبت به پروردگار یکتا بود. روحانیون یهود با نام "کاهنان" در معبد مقدس خدمت می کردند و برگزاری آئین های مذهبی را به عهده داشتند و همچنین به مسائل دینی و مشکلات مذهبی مردم رسیدگی می کردند.

در سه هزار سال پیش، هنگامی که بیت المقدس دایر بود، در اعیاد سه گانه، یعنی پِسَح (Pessah nos) یا عید فطیر که یادگار خروج یهودیان از مصر است، عید سوکوت (סוכות) یا عید سایبان ها که یادگار برداشت محصول در فصل پائیز است و عید شابوعوت (שבועות) یا عید نوبرینه ها که جشن آغاز بارآمدن میوه درختان و دیگر محصولات کشاورزی است، یهودیان از سراسر کشور به اورشلیم آمده و به معبد مقدس می رفتند تا آئین های دینی را برگزار کنند.

به عنوان مثال، در عید شابوعوت (عید نوبرینه ها) کشاورزان یهودی از سراسر کشور نوبرینه میوه ها و محصولات خود را در سبدهای متعدد قرار داده و به اورشلیم می آوردند تا به کاهنان در معبد مقدس اهدا کنند.

در کنار نیایش ها و آئین های مذهبی که در معبد مقدس برگزار می گردید، باید اضافه کنیم که "صندوق عهد خدا" نیز در داخل آن قرار داده شده بود که یادآوری می کنم این صندوق جایگاه نگاهداری دو لوح سنگی بود که حضرت موسی در کوه سینا هنگام رهسپاری یهودیان از مصر به سوی سرزمین پداری خودشان دریافت کرد و ده فرمان روی آن دو لوح حکاکی شده است.

یک احتمال هم آن که در داخل معبد مقدس نوشته هائی نگاهداری می شده که بخش هائی از تورات در آن مکتوب بوده است.

معبد مقدس کانون یکتاپرستی و نیایش ملت یهود به درگاه پروردگار بود و در یک کلام می توان گفت که بیت المقدس یهود مرکز سلطنت و کانون مذهبی یهود بوده، که این دو با هم ملیت یهود را تشکیل می دهد و هویت این ملت را به وجود می آورد.

برخلاف همه ادیان دیگر، در دین یهود هویت ملی و مذهبی در هم آمیخته شده است و یک هویت واحد را تشکیل می دهد - و این در حالی که در مسیحیت و ادیان دیگر، فردی می تواند از نظر دینی مسیحی بوده و از نظر ملیتی فرانسوی باشد. ولی در دین یهود، کسی که یهودی است، ملیت او نیز یهودی است و سرزمین و زیستگاه او نیز سرزمین اسرائیل است.

پرسش - هنگامی که به نقشه تاریخی اورشلیم باستانی می‌نگریم، می‌بینیم که "تپه صیون" و جایگاه بیت المقدس از نظر طول و عرض، در واقع برابر خود شهر در آن دوران است و شاید هم از خود شهر بزرگتر باشد. بنابراین، در مقیاس آن روزها معبد مقدس بنائی بس عظیم بوده است.

پاسخ - بله مسلم است که اولاً بزرگی این مکان نه تنها به خاطر وسعت آن، بلکه به علت عظمت سلطنتی و روحانی آن بوده است. بعد، توجه کنید که خود معبد مقدس دارای یک حصار و یک دیوار بلند است.

یکی از این حصارها که دیوار غربی معبد مقدس محسوب می‌شده هنوز پابرجاست و از سنگ‌های بسیار بزرگی ساخته شده که امروز نیز یهودیان به پای آن می‌روند و به نیایش می‌پردازند.

این دیوار "کِتلِ هَمَعِراوی" (כותל המערבי Kotel Ha-Ma'aravi) نامیده می‌شود که به معنی "دیوار غربی" است، ولی یهودیان در طول تاریخ آن را "دیوار ندبه" می‌نامیدند، زیرا یهودیان از اقصی نقاط جهان به زیارت این دیوار می‌آمدند و در سوگ بیت المقدس ویران شده اشگ می‌ریختند و ندبه می‌کردند و آرزوی روزی را داشتند که بتوان بیت المقدس را دوباره بنا کرد و شکوه و عظمت دوران سلطنت حضرت داود و حضرت سلیمان را به یهودیان بازگرداند.

در آن دوران باستان، تراشیدن و آماده کردن این سنگ‌های عظیم که هر یک چندین متر طول و ارتفاع دارد کار آسانی نبوده است. از نظر معماری می‌توان گفت که کار شگفتی است.

در سال‌های اخیر، پس از آن که بخش شرقی اورشلیم از تسلط اردن آزاد شد و به شهر اورشلیم پیوست و یهودیان توانستند آزادانه به زیارت "کتل همعراوی" (دیوار غربی یا دیوار ندبه) که تنها بازمانده سنگی بیت المقدس یهود است بروند، حفاری‌های باستان‌شناسی بسیار مهمی در آن مکان انجام گرفت و از جمله به موازات این دیوار و در عمق چندین متری زمین تونلی به موازات این دیوار، از ابتدا تا انتهای آن حفر شد.

ادامه این دیوار و عمق آن در این حفاری‌ها مشخص شده و متوجه می‌شوید که هر سنگ آن قدر عظیم است که ده‌ها متر طول و عرض دارد. دیواری که امروز یهودیان باورمند در برابر آن می‌ایستند و به نیایش می‌پردازند، بسیار بالاتر از سطحی است که در دوران باستان وجود داشته و در آن دوران این دیوار از سطح پائین تری آغاز می‌شده و بسیار عظیم بوده است. می‌توان گفت که سطح باستانی دیوار حدود چهل تا پنجاه متر از سطح کنونی آن پائین‌تر بوده است.

شهر اورشلیم در واقع در حول و حوش همین حصار و دور و بر معبد مقدس قرار داشته است. یعنی، مردم عادی در کنار معبد مقدس زندگی می‌کردند و در همان نواحی به کار

مشغول بودند. در واقع می توان گفت که مردم عادی در بخش جنوبی و غربی و شمالی اطراف معبد مقدس اقامت داشتند و خانه و زندگی آنان در همان دور و بر بود. در بخش شرقی معبد مقدس دالان دیگری وجود داشته که "دشت ساحره" نامیده می شده و در فرصت دیگری درباره آن سخن خواهیم گفت، زیرا افسانه های گوناگونی درباره آن وجود داشته است.

دور و بر معبد مقدس دروازه های مختلفی وجود داشته که اکثراً تا به امروز پابرجا می باشد و هر دروازه عظیم است و از شکوه و بزرگی آن جایگاه مقدس حکایت دارد. آن گونه که در کتاب تلمود تشریح شده، هر یک از این دروازه ها نیز خود دارای نقش و نگارهای بسیار زیبایی بوده که موجب اعجاب و شگفتی می شده است.

در دوران باستان، جمعیت اورشلیم رو به افزایش گذاشت و دیگر محوطه پیرامونی بیت المقدس برای زندگی ساکنان کافی نبود و شهر گسترش یافت و همانند بسیاری از شهرهای مهم و به ویژه پایتخت ممالک دیگر، دور شهر اورشلیم نیز حصار کشیدند تا مردم آن از حمله بیگانگان در امان باشند.

با توجه به این توضیحات می توان گفت که شهر اورشلیم دارای دو حصار است: یکی دیواری که به دور خود معبد مقدس کشیده شده بود - و همان گونه که پیشتر گفتیم دیوار غربی آن (کتل همعراوی) هنوز پابرجاست و یهودیان به آن جا می روند و در سوگ بیت المقدسی که ویران شد به نیایش می پردازند.

حصار دوم با این دیوار فاصله زیاد دارد و باروی محافظ خود شهر اورشلیم محسوب می شود که در دوره های مختلف به علت افزایش جمعیت شهر، دیوارهای دورتری به آن افزوده شده است. ولی خود دیوار بیت المقدس، با گذشت سه هزار سال، همچنان در جای خود برقرار است. این دیوار هنگام بنای دوباره بیت المقدس ویران شده، بازسازی گردید.

پرسش - اجازه بدهید یک بار دیگر نقش بیت المقدس را در زندگی ملت یهود، برحسب اموری که در آن جا انجام می شده مرور کنیم: دربار سلطنتی در آن جا قرار داشته، نیایشگاه مرکزی ملت یهود بوده، دو لوح سنگی شامل ده فرمان که به حضرت موسی داده شد، در "صندوق عهد خدا" در معبد مقدس نگاه داری می شده، معبد مقدس مرکز خدمت کاهنان بوده و نقش دیگرش آن بوده که هر سال در سه عید عمده یهودیان، مردم از سراسر این خاک و حتی از سرزمین های دیگر به آن جا می آمدند که آئین عید را در بیت المقدس برگزار کنند.

پاسخ - اتفاقاً در این مورد می خواهم اشاره ای کنم به یکی از کتاب های مرجع که در آن در این باره مطالبی نگاشته شده است. منظور من کتاب انجیل یا "عهد جدید" است که به مسیحیان تعلق دارد و در کنار تورات، کتاب مقدس آنان محسوب می شود. انجیل کم و

بیش حدود دو هزار سال پیش نگاشته شده است. در یکی از صحیفه های انجیل آمده است که یهودیانی که در آن دوران برای انجام نیایش به بیت المقدس می آمدند، تا همان گونه که گفتیم آئین های اعیاد سه گانه (پسح، شابوعوت و سوکوت) را برگزار کنند، به زبان های مختلف تکلم می کردند.

در انجیل آمده است که این زائران به چندین زبان سخن می گفتند و حتی قید شده است که یکی از زبان هائی که در صحن بیت المقدس شنیده می شده زبان مادها بوده است. - که همانا زبان ایرانی قدیم است. این امر نشان می دهد که در آن دوران یهودیانی بودند که در ایران زمین می زیستند و به زبان مادها یا فرس قدیم سخن می گفتند و از آن سرزمین با آن وسائل بسیار محدود سفری دوران قدیم خود را به اورشلیم می رساندند تا آئین های عید را در مقدس ترین مکان ملت یهود برگزار کنند.

توجه کنید که با گذشت سه هزار سال، حتی امروز نیز یهودیان بسیاری در ایام عید از اقصی نقاط جهان خود را به اورشلیم می رسانند تا در اعیاد سه گانه در برابر "کتل همعراوی" بایستند و نیایش های عید را به جای آورند.

پرسش - ولی با گذشت چند دهه، بیت المقدس یهود و معبد سلیمان هدف اشغال بیگانگان قرار گرفت و ویران گردید. در این باره بگوئید.

پاسخ - در پاسخ باید بگویم که در درازای تاریخ، معبد مقدس یهود دوبار ویران گردید که چند صد سال با هم فاصله داشت. نخستین بیت المقدس یهود که به این سرنوشت شوم دچار شد، در حدود ۲۵۰۰ سال پیش بود و آن هنگامی که بخت النصر امپراتور بابل، سرزمین یهود را به اشغال درآورد، بر بیت المقدس مسلط شد و دستور ویرانی آن را صادر کرد. اجازه بفرمائید که در این زمینه به چند اشاره تاریخی بپردازم. در مورد زمان دقیق حمله بخت النصر و ویرانی بیت المقدس باید بگویم که این اشغال در سال ۵۸۶ پیش از میلاد رخ داد که کمی از ۲۵۰۰ سال پیش بیشتر می شود. در مجموع می توان گفت که معبد نخست یهود به مدت بیش از چهارصد سال دایر بود.

یادآوری می کنم که این معبد ویران شده، چند ده سال بعد به دستور کورش کبیر و با یاری داریوش بزرگ بازسازی شد که "معبد دوم" نامگذاری شده است. همین معبد نیز به دنبال تهاجم یونانیان به خاک اسرائیل دوباره ویران گردید، ولی در باره آن بعدا سخن خواهیم گفت.

پرسش - باز می گردیم به سرگذشت ملت یهود. شما گفتید که عظمت کشور اسرائیل را حضرت داود پایه گذاری کرد و حضرت سلیمان بود که در دوران سلطنت خود این شکوه و بزرگی را به اوج رساند. ولی تا آن جا که می دانیم، با درگذشت سلیمان پادشاه، دوران انحطاط در تاریخ یهود آغاز شد. در این باره بفرمائید.

پاسخ - بله، درست است؛ در عین حال باید تذکر دهم که این انحطاط بلافاصله آغاز نگردید. ولی رویدادی بدتر از آن پیش آمد که البته ریشه در علل اقتصادی دارد. باید بگویم که در دوران حضرت سلیمان، مردم به حکومت مالیات می پرداختند. ولی برخی از شهروندان از پرداخت مالیات های سنگین ناخشنود بودند. در آن دوران، سلیمان پادشاه از شهروندان ساکن در منطقه یهودا مالیات کمتری مطالبه می کرد و این امر موجب بروز اختلافاتی شد.

اتفاقاً "یربعام" که متصدی امور مالیاتی در دوران حضرت سلیمان بود، پس از فوت پادشاه تמרود کرد و رفت به شهر "شخیم" (שחם Sh'khem - نابلس عربی) و گروهی از افراد ناراضی را نیز دور خود گرد آورد و پسر حضرت سلیمان نیز که "رحبعام" نام داشت و قرار بود جانشین پدرش شود و سلطنت را ادامه دهد، اطاعت از پدر را نپذیرفته بود.

یربعام که از این موقعیت سوء استفاده کرده و به شهر "شخیم" آمده بود، توانست از میان دوازده اسباط (قبائل) یهود، حدود ده سبط را به دور خود گرد آورد که بزرگترین این قبائل، سبط "افرائیم" بود که خود یربعام نیز گویا به همین قبیله تعلق داشته است.

این قبائل در شخیم با یربعام بیعت کردند و با کمال تاسف سرزمین اسرائیل بدینسان دچار تجزیه گردید و به دو بخش جداگانه تقسیم شد: "ولایت اسرائیل" (ממלכת ישראל Mamleket Yisrael) نام بخش شمالی کشور گردید که در واقع نام دیگر آن "ولایت افرائیم" است (گرچه تاریخ نویسان آن را "ولایت اسرائیل" می نامند)، و "ولایت یهودا" (ממלכת יהודה Mamleket Yehuda) نام بخش جنوبی کشور شد که پایتخت آن شهر اورشلیم بود.

در زبان عبری عبارتی به نام "سینت حینام" (שנאת חין Sin'at khinam) وجود دارد که مفهوم آن کینه ورزی بیهوده و زیان بخش است؛ بیانگر وضعی است که به آن اشاره کردیم و خصومت و دشمنی بین جناح های مختلف موجب تجزیه کشور و تقسیم آن به دو بخش گردید - گرچه چنین رویدادی، در اقوام و سرزمین های دیگر نیز بارها اتفاق افتاده است. ولی "ولایت اسرائیل" در شمال این سرزمین پس از گذشت ۲۱۰ سال توسط امپراتوری آشور اشغال شد و آن حکومت منقرض گردید.

پادشاه آشور ساکنان این بخش شمالی اسرائیل را به اسارت برد. آشور در آن دوران امپراتوری بزرگی بود که بخشی از خاک کنونی ایران را نیز در تصرف خود داشت - بخشی که در آن دوران مادها در آن زندگی می کردند. به عبارت دقیق تر، یهودیان بخش شمالی اسرائیل در سال ۷۲۲ پیش از میلاد به اسارت آشور در آمدند و به آن امپراتوری منتقل گردیدند. در واقع می توان گفت که همین تاریخ، تا حدودی سرآغاز ورود و اسکان بخشی از یهودیان در ایران زمین می باشد که در باره آن در فرصت دیگری سخن خواهیم گفت.

پرسش - پیش از آن که به این بخش از گفت و گو پایان دهیم، تقاضا دارم درباره شخصیت حضرت سلیمان، اهمیت او در تاریخ یهود و همچنین مقام وی در ادبیات یهود مطالب بیشتری بیان فرمائید.

پاسخ - حضرت سلیمان نه تنها در تاریخ یهود و باورهای مذهبی این ملت و ادبیات زبان عبری مقامی بس والا دارد، بلکه در تاریخ زندگی و ادبیات دیگر ملت های خاورمیانه نیز اهمیت او دو چندان است. می خواهم بگویم که حضرت سلیمان نه تنها در تاریخ و ادب اعراب نیز جایگاه ویژه دارد، بلکه در ادبیات ایران هم از مقام والائی برخوردار است..

در داخل ایران اماکنی را می بینیم که "تخت سلیمان" نامیده می شود و اماکن دیگری که "مادر سلیمان" نام گرفته است. همچنین در ادبیات پارسی قصیده های مختلفی در توصیف مقام حضرت سلیمان سروده شده و حکایات و افسانه های بسیاری به او نسبت داده می شود. حضرت سلیمان در میان مردمان این منطقه به عنوان کسی که حکیم ترین و عاقل ترین فرد بشر بوده معروف است. در ادبیات گفته شده که حضرت سلیمان به زبان حیوانات و طیور آشنائی داشته و حتی با هلهلد نیز سخن می گفته است.

در یک کلام: انواع و اقسام افسانه ها درباره حضرت سلیمان نگاشته شده که بخش عمده ای از آن در تاریخ ادبیات عرب و ایران ثبت گردیده است.

در این رابطه حتی می خواهم بگویم که جایگاه کنونی تخت جمشید نیز روزگاری جایگاه حضرت سلیمان نام داشته است - یعنی، آن قدر شهرت حضرت سلیمان جهانگیر بوده که حتی این مکان باستانی ایران و جایگاه پادشاهان را نیز به حضرت سلیمان منتسب می کنند.

جان کلام آن که مقام حضرت سلیمان از نظر حکایات و افسانه ها و ادبیات، و از نظر منظومه های مختلفی که در وصف او به زبان عربی و زبان پارسی سروده شده و به علل دیگری نیز که به آن ها اشاره کردیم، در انظار مردم غیریهودی منطقه، حتی از حضور حضرت داود قوی تر و محسوس تر و گسترده تر است.

علاوه بر این، مجموعه ای با نام "امثال سلیمان" در کتاب مقدس یهود وجود دارد که به زبان عبری میشله (משלי Mishle) نامیده می شود و نگارش آن به حضرت سلیمان نسبت داده شده است. صحیفه دیگری نیز با ارزش ادبی بسیار بالا وجود دارد که آن را "غزل غزل های سلیمان" (שיר השירים Shir Hashirim) نامیده اند که یک نوشتار عرفانی است که ضمناً جنبه عاشقانه نیز دارد. نوشته دیگری که به حضرت سلیمان نسبت داده می شود "جامعه سلیمان" است که در عبری قهلِت (קהלת Kohelet) خوانده است و آن نیز در واقع نوعی فلسفه زندگی است.